



ادله عقلی در نفی خلقت ارواح پیش از ابدان قطعی نیست

آیت‌الله غلامرضا فیاضی ضمن نقادی دیدگاه منکرین خلق روح پیش از ابدان بیان کرد: کسانی که در این مسئله می‌گویند روح قبل از بدن وجود داشته است...

آیت‌الله غلامرضا فیاضی ضمن نقادی دیدگاه منکرین خلق روح پیش از ابدان بیان کرد: کسانی که در این مسئله می‌گویند روح قبل از بدن وجود داشته است، ادله عقلی را تمام نمی‌دانند و ادله را بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند این فلاسفه که خلق روح قبل از ابدان را قبول ندارند، دچار یک مشکل استدلال هستند و اینها شبیه برهان است و مغالطه ای است که به اسم برهان قلمداد شده است.

به گزارش ایکن؛ همایش «عالم ذر و عوالم پیش از دنیا»، امروز ۱۰ خردادماه به همت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به صورت مجازی برگزار شد. آیت‌الله غلامرضا فیاضی استاد و پژوهشگر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) (در حوزه فلسفه و عرفان) در این همایش با موضوع «بررسی دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره «عالم ذر»» به ایراد سخن پرداخت که در ادامه متن آن را می‌خوانید؛

مسئله محل بحث، مسئله دیدگاه فلاسفه اسلامی در مورد عالم ذر است. در کتب فلسفی این مسئله به عنوان یک مسئله مطرح نشده است و معمولاً در کتب فلسفی نیست، بلکه به مناسبت بحث حدوث روح مطرح شده است. خلاصه چیزی که از آیات و روایات به دست می‌آید، این است که انسان‌ها از حضرت آدم تا فرزندان او که تا قیامت به این عرصه عالم می‌آیند، همان طوری که یک دوره ای داشته اند که از آدم تا قیامت بوده است، یک دوره نیز قبل از اینکه به این عالم بیایند، طی کرده اند و همان طور که در این عالم از آدم فرزندان به وجود می‌آید و بعد از فرزندان او فرزندان به وجود می‌آید تا به ما می‌رسد و ما نیز جا را به فرزندان خود می‌دهیم و تا قیامت این سیر می‌رود که با تدریج و سیر زمان دار گند است، نظیر همین روند، یکبار دیگر نیز اتفاق افتاده اما بسیار سریع بوده است؛ به این صورت که وقتی آدم خلق شد از پشت او فرزندان او بیرون آمدند و دیگر این دوران بارداری و ... در آنجا نبود و فقط فرزندان او بلافاصله از آنها فرزندانشان تا همه انسان‌ها که یکجا جمع شدند.

در آن صحنه، روح‌های این افراد به همان بدن‌هایی که تکون یافته بود؛ یعنی از پشت بدن‌های آدم‌هایی پدید آمده بود، روح‌ها به این‌ها تعلق گرفت و به این روح‌ها خطاب شد که «الست بربکم» و این در یک صحنه ای بود که همه حضور خدا را با علم حضوری احساس می‌کردند و وجود حق را مشاهده می‌کردند و ربوبیت حق تعالی را نیز نسبت به عالم می‌دیدند که عالم از سوی حق تعالی دارد مدیریت می‌شود، آن هم نه مباشرتاً، بلکه به واسطه خلفای او. این حقایق را انسان‌ها نه با علم حصولی، بلکه با یافت وجدانی و مشاهده حضوری دریافتند و این چیزی است که از آیات و روایات استفاده می‌شود و در کتب تفسیری و کلامی بحث می‌شود و این مسئله با مسائل فلسفی در چند مسئله درگیر است.

اول اینکه آیا حقیقت انسان یک حقیقت است یا دو حقیقت و انسان غیر از این بدن چیز دیگری نیز دارد؟ در فلسفه اختلاف بوده است و از روز اول که فلسفه به وجود آمده، عده ای می‌گفتند حقیقت انسان همین بدن او است و یک عده زیادی نیز می‌گفتند که خیر، انسان غیر از این بدن چیز دیگری به نام روح دارد و عالم ذر با این بخش درگیر است و وقتی عالم ذر معنا دارد که برای روح یک حقیقتی غیر از بدن قائل باشیم. بدن همین موجود محسوس به حواس ظاهر است، اما روح مجرد است. این یک مسئله است که مسئله عالم ذر بدان مربوط می‌شود.

مسئله دوم این است که آیا روح انسان‌ها قبل از بدن‌های آنها وجود داشته و یا روح وقتی به وجود می‌آید که بدن قابلیت داشتن روح را پیدا می‌کند که البته باز اینجا نیز آرا مختلف است و فلاسفه اسلامی عمدتاً معتقد هستند که روح قبل از بدن نبوده است و وقتی روح به وجود می‌آید که بدن نصاب استعدادش کامل شود و قابلیتش برای تعلق روح کامل شود و وقتی بدن آن استعداد را یافت که روح به آن تعلق بگیرد، تازه روح به امر الهی به وجود می‌آید و مسئله سومی که عالم ذر باز به آن ارتباط پیدا می‌کند، مسئله تناسخ است.

یکی از مسائل این است که آیا روح پس از اینکه از یک بدن منقطع شد، ممکن است به بدن دیگری تعلق بگیرد یا خیر که یک عده ای می‌گفتند تناسخ واجب است و روح‌ها باید بدن‌های متعددی را مدیریت کنند و نمی‌شود که برای هر بدنی روحی باشد. یک عده نیز می‌گفتند محال است یک روح به دو بدن متعلق شود و این روح با یک بدن است و وقتی ارتباطش قطع شد، محال است به بدنی تعلق بگیرد.

این سه مسئله است که فلاسفه ما مطرح کرده اند و فلاسفه ما معتقدند که روح غیر از بدن است و در مسئله اول، دوگانه انگار هستند و می توان گفت همه فلاسفه اسلامی در این مسئله اتفاق نظر دارند که ما یک بدن و یک روح داریم و آنجا فلسفه ما با عالم ذر درگیری ندارد؛ چون کاملاً منطبق است.

اما مسئله دوم اختلافی است و برخی می گویند روح قبل از بدن بوده است و طبق نظر آنها عالم ذر می تواند باشد، اما فلاسفه اسلامی از مشائین و اصحاب حکمت متعالیه ادله ای دارند که محال است روح قبل از بدن وجود داشته باشد. این ادله را اقامه کرده اند و از آن طرف نیز آیات و روایات را می بینند و مسلمان هستند و آیات و روایات به روشنی دلالت بر عالم ذر می کند، اما بر اساس یک قانون کلی که می گوید اگر دلیل نقلی با دلیل عقلی تعارض کرد، به دلیل اینکه دلیل نقلی یقینی نیست، بنابراین عقل مقدم است پیش رفته اند؛ چون دلیل نقلی یک سند و دلالت و جهت صدور دارد.

قرآن سندش یقینی است و جهت صدورش نیز یقینی است، اما دلالتش یقینی نیست و ظهوری است. می گویند ادله نقلی اگر قرآن است از یک جهت ظنی است و اگر روایات است، گرچه سندهای معتبر دارد، اما یقین آور نیست؛ یعنی روایت صحیح نیز ظن معتبر است و روایت موثق و حسن ظن معتبری است که باید از آن تبعیت کرد، اما یقینی نیست. دلالتش نیز مانند قرآن است و ظنی است و جهت صدورش نیز ظنی است. پس دلیل عقلی یقینی است، چون مفاد برهان است در حالی که دلیل نقلی ظنی است و باید در تعارض این دو از دلیل نقلی دست برداشت و فلاسفه ای که این نظر را دارند، عالم ذر را به ظاهری که در قرآن و روایات آمده حمل نمی کنند، بلکه دست به تأویل می زنند.

اما کسانی که در این مسئله می گویند روح قبل از بدن وجود داشته است که البته این افراد کسانی هستند که بنده نیز از این دسته هستم، ادله عقلی را تمام نمی دانند و ادله را بررسی می کنند و نشان می دهند این فلاسفه دچار یک مشکل استدلال هستند و اینها شبیه برهان است و مغالطه ای است که به اسم برهان قلمداد شده است. بنابراین ادله عقلی را تمام نمی دانند و از آن طرف ادله نقلی فراوان است که روح قبل از بدن بوده است و ملاصدرا می گوید به قدری در این زمینه روایات زیاد است که گویی ضروریات مذهب امامیه است.

عقل در این جا اصطلاحاً لنگ است و خودش نمی داند روح قبل از بدن بوده یا نبوده است، بنابراین ادله نقلی بلامعارض می شود. این ادله آیات قرآن و روایات صریح است و دلالت دارد روح قبل از بدن بوده است، پس ما می گوئیم فیلسوف وقتی دستش از عقل کوتاه می شود، چاره ای ندارد جز اینکه وحی و نقل را قبول کند و می گوئیم روح قبل از بدن بوده است. اما در باب تناسخ نیز مشهور این است که محال است، اما به نظر می رسد ادله در این زمینه نیز تمام نیست و تناسخی که برخی فلاسفه می گویند محال است، محال نیست. البته اگر تناسخ جایگزین معاد باشد، صحیح نیست و این تناسخ را ما نیز منکر هستیم، اما اینکه می گویند روح محال است به یک بدن دیگر منتقل شود، دلیل ندارد.

بنابراین عالم ذر حق است و آنچه از ظاهر آیه و روایت به دست می آید، حرف درستی است. نظرات نیز مختلف است و یک نظر نیز این است که روح غیر از بدن است و قبل از بدن بوده و تناسخ نیز مشکلی ندارد و روح می تواند در یک دوره ای به بدن هابی متعلق شود و از بدن ها منقطع شود و در این دوره تدریجی، مجدداً به بدن های جدید تعلق بگیرد، چنان که در قیامت به بدن های سومی تعلق می گیرد.